

خورشید و شیر، از نگاه کهن تا امروز



دکتر هوشنگ طالع

با همکاری مهدی شمسایی

شابک : ۲-۳۴-۷۷۷۵-۹۶۴-۹۷۸ موضوع : شیر و خورشید شناسه افزوده : شمسایی، مهدی، ۱۳۶۵ رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۰ ط ۲ ۹ / ر ۶۵ DSR رده‌بندی دیویی : ۹۵۵/۰۰۴۴ شماره کتاب‌شناسی ملی : ۲۶۱۸۳۳۷	سرشناسه : طالع، هوشنگ، ۱۳۱۲ عنوان و نام پدیدآورنده : خورشید و شیر از گاه کهن تا امروز / هوشنگ طالع با همکاری مهدی شمسایی مشخصات نشر: لنگرود - سمرقند، ۱۳۹۰ مشخصات ظاهری : ۸۱ صفحه : مصور (بخشی رنگی)
---	--



انتشارات سمرقند

دکتر هوشنگ طالع

خورشید و شیر از گاه کهن تا امروز

چاپ چهارم ، تابستان ۱۳۹۷
چاپ سوم ، زمستان ۱۳۹۶
چاپ دوم ۱۳۹۴ / چاپ نخست ۱۳۹۰
شمارگان : ۱۰۰۰

طرح روی جلد و صفحه آرایي : مریم‌السادات موسویان

شابک: ۲-۳۴-۷۷۷۵-۹۶۴-۹۷۸

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

نشانی : لنگرود - خیابان شهید جمشیدی - بن‌بست آرمان - شماره ۲۴۵
تلفن و نمابر : ۵۲۲۳۹۴۴ - ۰۱۴۲

samarghandpub@yahoo.com

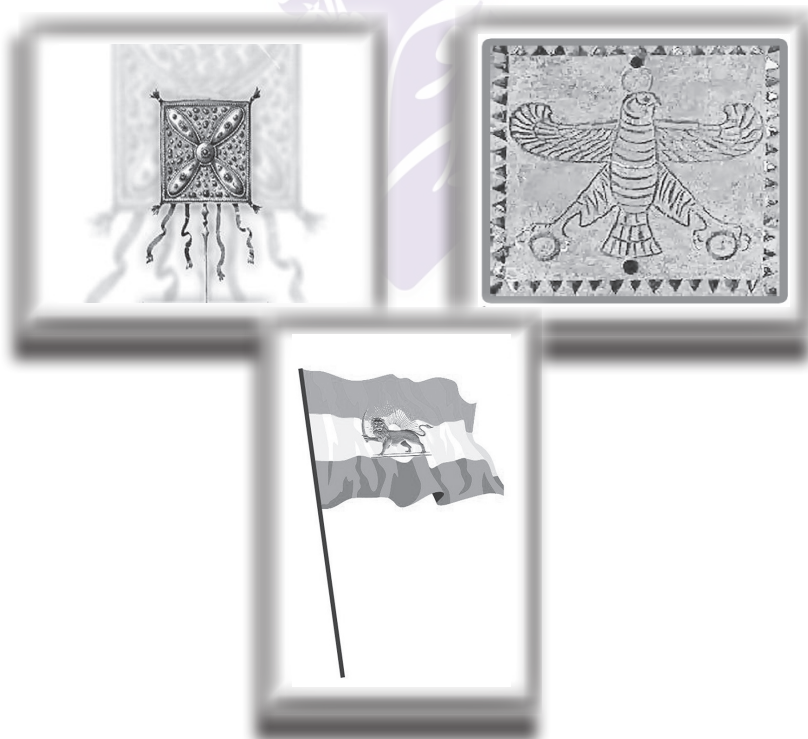
فهرست نوشته‌ها

پیش‌گفتار	۵
۱ - درفش شاهین‌نشان	۶
۲ - درفش کاویان	۹
۳ - درفش شیر و خورشید	۱۲
شیر در بن‌نبشت‌ها	۱۵
خورشید در بن‌نبشت‌ها	۲۸
شیر و خورشید بر روی پرچم	۳۱
الف - دوران صفویان	۳۶
ب - دوران افشاریان	۴۷
پ - دوران قاجاریان	۴۸
ت - خیزش مشروطیت	۶۵
پیوست‌ها	۶۹
کتاب‌نامه	۷۹

پیش‌گفتار

سرزمین کهن ایران با دیرینگی کمابیش ۱۳ هزار سال، درفش‌های بسیاری را به خود دیده است که هر کدام در زمان خود، نشان دولت فراگیر ملی (در دوران‌های وحدت) و یا نشان دولت‌های ایرانی (در دوران پراکندگی) بودند؛ اما از میان همه‌ی پرچم‌ها، سه پرچم نام‌آورترند. این پرچم‌ها عبارتند از:

درفش شاهین نشان (باز سپید)، پرچم کاویان و درفش شیر و خورشید



یکم - درفش شاهین نشان (باز سپید)



در سال ۱۳۲۷ خورشیدی، در کاوش‌های تخت‌جمشید در کاخ آپادانا، یک سنگ لاجورد یافت شد. بر روی این سنگ لاجورد، نقش «باز»ی با بال‌های گشوده و سه حلقه دیده می‌شود؛ یک حلقه در بالای سر شاهین و دو حلقه‌ی دیگر به ترتیب زیر پنجه‌های آن قرار دارند.

دور تا دور این تکه سنگ، سه گوشه‌هایی کنده‌کاری شده به چشم می‌خورد که نوک هر کدام رو به بیرون است. بررسی‌های آزمایشگاهی، وجود رنگ سبز، سفید و سرخ را در هر خانه از این سه گوشه‌ها نشان داده است.

بر خلاف آنچه تا کنون پنداشته‌اند، نقش‌کنده شده بر این سنگ لاجورد، نقش عقاب نیست؛ بلکه نقش «باز» (شاهین) یا مرغ وارغن می‌باشد که در ایران کهن، نماد «فر» بوده است.

چنان‌که گفته شد، نماد فر در ایران کهن، مرغ وارغن یا باز سپید بود که هنوز پس از گذشت هزاره‌ها، در قالب به پرواز در آوردن «باز» برای گزینش پادشاه یا



فرمان روا؛ در قصه‌های جای‌جای سرزمین بزرگ ایرانیان در درون کشور و برون کشور، بر جای مانده و به ما رسیده است. در زامیاد یشت در این باره می‌خوانیم:^۱

پس از آن که او [جمشید] به سخن نادرست دروغ
دهان بیالود [منی کردن، خودکامه شدن] فر آشکارا به
کالبد مرغی از او به بیرون شتافت.

هنگامی که جمشید خوب رمه دید که فر [رای مردم]
از وی بگسست، افسرده و سرگشته همی گشت و در
برابر دشمنی [مردمانی که از او گسسته بودند] فرو ماند
و به زمین پناهنده شد.

در جای دیگر:^۲

نخستین بار فر بگسست؛ آن فر جمشید ... به کالبد
مرغ وارغن، به بیرون شتافت...

بسیاری از پژوهندگان، مرغ وارغن را مرغی افسانه‌ای دانسته‌اند، در حالی که مرغ وارغن، بنابر شاهنامه همان «باز سفید» است که نماد «فر» می‌باشد.

در شاهنامه آمده است که پس از کشته شدن نوذر فرزند منوچهر به دست افراسیاب، زو تهماسب (تهماسب) و گرشاسب (گرشاسب) که دوران فرمان‌روایی آنان کوتاه بود، زنجیره‌ی فرمان‌روایی فریدونیان پایان می‌گیرد. شورای کشوری ایران زمین (مهیستان) کی قباد (کی‌کواد) را نامزد شاهنشاهی ایران می‌کند.

«شورا» رستم را برای آوردن کی قباد گسیل می‌دارد. هنگامی که رستم به کی قباد می‌رسد و او را از رای «شورا» آگاه می‌سازد، کی قباد خوابی را که شب پیش دیده بود، برای وی بازگو می‌کند. سخن را از زبان شاهنامه بشنویم:^۳

شهنشاه چنین گفت با پهلوان

که خوابی بدیدم به روشن روان

۱ - اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان - ج ۱ (زامیاد یشت - کرده‌ی ششم - بند ۳۴ - رویه ۴۹۰)

۲ - همان - بند ۳۵

۳ - شاهنامه‌ی فردوسی (چاپ‌های گوناگون)



که از سوی ایران، دو باز سپید
یکی تاج رخشان، به کردار شید
خرامان و نازان، رسیدی برم
نهادند آن تاج را بر سرم ...

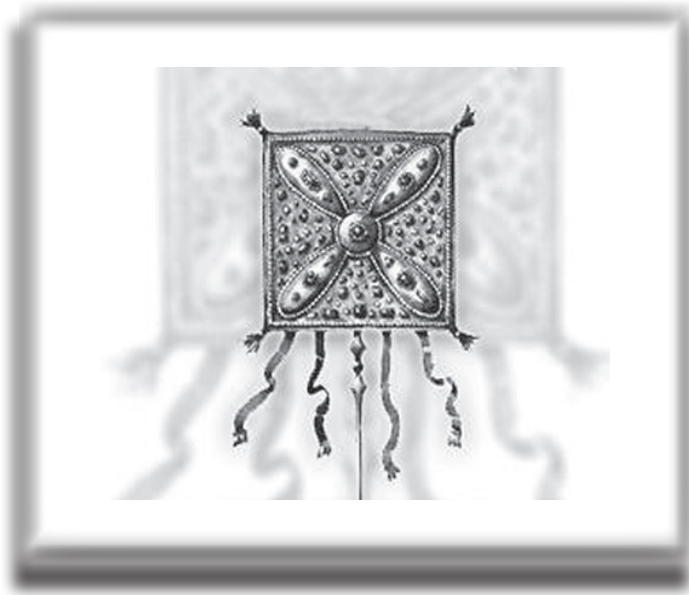
به باور نویسنده، نقش پیدا شده در سال ۱۳۲۷ در کاخ آپادانا، می‌تواند پرچم ایرانیان در ایران‌ویج بوده باشد که پس از انفجار جمعیت و آغاز کوچ، سه گوی یا سه حلقه را به عنوان نماد «ایران‌ویج» (در بالای سر شاهین) و خاور و باختر جهان (زیر پنجه‌های شاهین)، بدان افزودند. هم‌چنین، این سه گوی، راستای کوچ از شمال (اپاختر) به سوی جنوب (نیمروز) یعنی از تاریکی به سوی نور و روشنایی را نشان می‌دهد.

این نقش از این سرزمین، به مصر و آشور و ... رفت. مصریان به جای سر شاهین، سر کرکس را بر آن قرار دادند (نخبت، الهه‌ی مصر علیا) و آشوریان نیز هنوز نشان شاهین بدون سر را به عنوان نشان خود نگاه داشته‌اند.

کوروش بزرگ، به نماد «فرهمندی» (برخورداری از تایید مردمان) و عروج، بال‌های مرغ وارغن (شاهین سپید) را بر نقش خود در پاسارگاد، افزوده است. هم‌چنین در تخت جمشید، داریوش بزرگ به نماد «فرهمندی» (برخورداری از تایید مردمان) و نیز عروج، بر بال‌های مرغ وارغن (شاهین سپید)، سوار است؛ نقشی که از گذشته‌ای نه‌چندان دور، باورمندان به آیین زرتشت، از آن به عنوان «فروهر» یاد می‌کنند.^۴

۴- برای آگاهی بیشتر نگ: تاریخ فرهنگ و تمدن ایران کهن - رویه‌های ۱۶۳-۱۷۲

دوم – درفش کاویان



پرچم کاویان که نماد «ظلم ستیزی» ملت ایران است، در درازای چندین هزاره، درفش رسمی دولت‌های فراگیر ملی ایران بود. در آغاز این درفش، پیش‌بند چرمین کاوه‌ی آهنگر بود که وی آن را بر فراز نیزه‌ای می‌افرازد. بدین‌سان، کاوه خیزش مردم علیه ضحاک ماردوش را برپا می‌نماید و رهبری می‌کند. سخن را از زبان شاهنامه بشنویم:

چو کاوه برون آمد، از پیش شاه [ضحاک]
بر او انجمن گشت، بازارگاه

همی بر خروشید و، فریاد خواند
جهان را سراسر، سوی داد خواند
از آن چرم، کاهن گران پشت پای
بپوشند، هنگام زخم درای
همان کاوه، آن بر سر نیزه کرد
همان گه، ز بازار برخاست گرد
خروشان همی رفت، نیزه [درفش] به دست
که ای نامداران یزدان پرست
کسی، کو هوای فریدون کند
سر از بند ضحاک، بیرون کند
یکایک، به نزد فریدون شویم
بدان سایه‌ی فر او، بغنویم
بگویند کاین مه‌تر، آهرمن است
جهان آفرین را به دل، دشمن است
بدان بی بهای، ناسزاوار پوست
پدید آمد آواز دشمن، ز دوست
همی رفت، پیش اندرون مرد گرد
سپاهی بر او انجمن شد، نه خُرد
بدانست او، کافریدون کجاست
سر اندر کشید و همی رفت راست
بیامد به درگاه سالار نو
به دیدنش از دور و، برخاست غو

از پیش‌بند چرمین کاوه تا کاویانی درفش :

چو آن پوست بر نیزه، بر دید کی
به نیکی، یکی اختر افگند پی
بیاراست آن را به دیبای روم
ز گوهر برو پیکر و زر بوم
بزد بر سر خویش، چون گرد ماه
یکی فال فرخ، پی افکند شاه
فرو هشت از او سرخ و زرد و بنفش
همی خواندش، کاویانی درفش
از آن پس، هر آن کس که بگرفت گاه
به شادی به سر، بر نهادی کلاه
بر آن بی بها، چرم آهن‌گران
بر آویختی، نو به نو گوهران
ز دیبای پر مایه و برنیاں
بر آن گونه گشت، اختر کاویان
که اندر شب تیره، خورشید بود
جهان را از و دل، پر امید بود

بدین‌سان دومین درفش نام‌آور ایرانیان، شکل می‌گیرد و هزاره‌ها می‌پاید. گفته شده است که این پرچم در یورش تازیان، به چنگ آن‌ها افتاد و آن را به خاطر گوهرهای بسیاری که بر آن آویخته شده بود، تکه تکه کردند و میان سرکردگان سپاه و عاملان حکومت بخش کردند.

سوم - درفش شیروخورشید



سومین درفش نام‌آور ایران، پرچم شیروخورشید است که در کتاب حاضر، به تاریخچه‌ی شکل‌گیری آن پرداخته شده است.

باید گفت : نخستین کس از میان ایرانیان که به سامان بخشی تاریخچه‌ی پرچم شیروخورشید دست یازید، شادروان احمد کسروی بود. کسروی در این اثر، برای نخستین بار به پی‌جویی پیدایش نشان شیروخورشید برخاست و گرچه این اثر از لغزش‌هایی به دور نیست ؛ اما باید گفت که هنوز هم اثری است نیکو و در خور بازخوانی .

البته باید این مساله را یادآور شد که بسیاری از بن‌نشت (اسناد و مدارک) هایی که امروزه در اختیار ما می‌باشند، در آن روزگار، در دسترس کسروی نبوده‌اند ؛ تا

او در پر بار کردن اثر خود، از آن‌ها بهره‌مند گردد. کتاب احمد کسروی به نام تاریخچه‌ی شیروخورشید برای چندمین بار، همراه با اثر دیگری از او (تاریخچه‌ی چوبق [چوبک] و قلیان) در سال ۱۳۷۸ به کوشش عزیزالله علی‌زاده، از سوی انتشارات فردوس در تهران منتشر گردید. به پیروی از احمد کسروی، پاره‌ای از پژوهندگان نیز نوشتارهای کوتاهی در زمینه‌ی درفش شیروخورشید، به رشته‌ی تحریر در آورده‌اند که در این میان می‌توان به نوشته‌های آقایان سعید نفیسی (درفش ایران و شیر و خورشید) و حمید نیرنوری (تاریخچه‌ی بیرق ایران و شیر و خورشید) اشاره کرد.

در سال ۱۳۵۸ خورشیدی، پس از آن که نشان شیروخورشید از روی درفش ایران برداشته شد، از سوی حزب پان ایرانیست کتابی با عنوان : شیروخورشید (پژوهشی در نشان شیروخورشید و شمشیر بر درفش سه رنگ ایران زمین) از سوی انتشارات آرمان‌خواه در تهران منتشر گردید (۱۳۵۸/۹/۲۱).

سپس در سال ۱۳۸۳ دکتر نصرت الله بختورتاش پژوهش گسترده‌ای درباره‌ی «تاریخ پرچم ایران» (درفش ایران از باستان تا امروز) به انجام رساند که از سوی انتشارات بهجت، منتشر گردید. در این اثر نیز به تاریخچه‌ی پرچم شیروخورشید، اشاره گردیده است.

آنچه اکنون پیش رو دارید، پژوهشی است همه جانبه، با بهره‌گیری از همه‌ی بن‌بست‌های موجود درباره‌ی نشان شیروخورشید بر درفش ایران. امید است که پژوهندگان با دستیابی به بن‌بست‌های نوین‌تر، بر غنای آن بیافزایند.

در پایان باید گفته شود که کهن‌ترین درفشی که تا کنون، به گونه‌ی اصلی آن، در ایران یافت شده است درفش شش هزار ساله‌ی شهاد می‌باشد. این درفش در کاوش‌های سال ۱۳۵۰ در شهاد به سرپرستی شادروان علی حاکمی و به سرکاری روانشاد اکبر ایران‌منش به دست آمد. این درفش مرمت شده و هم‌اینک در موزه‌ی ملی ایران باستان نگهداری می‌شود.

این درفش، کهن‌سال‌ترین پرچم موجود در جهان است که از یک صفحه با میله و لولا و دسته‌ی برنزی ساخته شده و چنان که گفته شد در شهداد کرمان یافت شده است.

این درفش در این چند هزار سال، زنگ زده و به رنگ سبز درآمده است (مس زنگ‌زده، سبز رنگ می‌شود) ولی در اصل، نوعی درخشش فلزی داشته که آفتاب را باز می‌تابانده و واژه‌ی درفش نیز به معنای درخشان است.

بر روی درفش شهداد، نقشی از یک نخل دیده می‌شود و دو درخت دیگر و پنج آدم کوچک و بزرگ که همه از بزرگان هستند و دو شیر و یک گاو کوهان‌دار و چند مار شبیه مارهای جیرفت هم به چشم می‌خورند.

تهران - ۱۵ شهریور ماه ۱۳۹۰

دکتر هوشنگ طالع



شیر در بن نبشت‌های ایران

در بن نبشت‌های کهن ایران که پاره‌ای از آن‌ها در قالب شاه‌نامه به دست ما رسیده‌اند، اشاره‌های روشنی به شیر و به ویژه بر روی درفش‌ها، وجود دارد. در نخستین دیدار سام با فرزندش زال، به شیر و خورشید و شمشیر در یک رج اشاره شده است:

برو بازوی شیر و خورشید روی

به دل پهلوان، دست شمشیر جوی

خطاب به منوچهر:

به رزم اندرون، شیر پاینده‌ای

به بزم اندرون، شید تابنده‌ای

پس از آن که سهراب، هژیر را به بند می‌کشد، از او درباره‌ی بزرگان ایران پرسش می‌کند:

سراپردی دیبه‌ی رنگ‌رنگ

بدو اندرون، خیمه‌های پلنگ

به پیش اندرون، بسته صد ژنده پیل

بر آن تخت پیروزه برسان نیل

یکی زرد خورشید پیکر درفش

سرش ماه زرین، قلافش بنفش

به قلب سپاه اندرون، جای کیست

ز گردان ایران، ورا نام چیست؟...

پرسید، کان سرخ پرده سرای

یکی لشگری گشن، پیشش به پای



یکی شیر پیکر درفش بنفش
درخشان گهر، در میان درفش
پس پشتش اندر، سپاهی گران
همه نیزه‌داران و، جوشن و ران
که باشد، به من نام او باز گوی
ز کژی میاور تباهی به روی...

دگر گفت، کان سبز پرده سرای
بزرگان ایران، به پیشش به پای
یکی تخت پر مایه، اندر میان
زده پیش او، اختر کاویان
بر او برنشسته یکی پهلوان
ابا فر و، با سفت و، یال گوان...
درفشش ببین ازدها پیکر است
بر آن نیزه‌بر، شیر زرین سر است...

درسان دیدن کی خسرو از ارتش ایران :

نخستین فریبرز بود پیش رو
گذر کرد، پیش جهاندار نو
ابا گرز و، با تیغ و، زرینه کفش
پس و پشت، خورشید پیکر درفش
پسش باز، گودرز کشواد بود
که گیتی به رای وی آباد بود



درفش از پس پشت او، شیر بود
که چنگش به گرزو، به شمشیر بود

افزون بر شاهنامه در چاه‌های دیگر شاعران نیز چنین اشاره‌هایی
به «شیر» رفته است. برای نمونه، قطران تبریزی با هنرمندی ویژه، درباره‌ی
رفتن فرمانروای آذربایجان به دیدن فرمانروای گنجه (دو تن از فرمانروایان
محلّی ایران در دوران نبود دولت فراگیر ملی) می‌سراید:

اگر به خانه‌ی شید آمده است شیر، رواست
بدان که خانه‌ی شیر است، بر گردون

دولت‌شاه سمرقندی :

زیر شیرِ درفشش، درفشان ظفر
چو در خانه‌ی شیر، تابنده خور

سلمان ساوجی می‌سراید :

خورشید نصرت است، به توفیق کردگار
طالع ز شیر است، جمشید کامکار

فخرالدین اسعد گرگانی در ویس و رامین می‌سراید :

چو سروستان شده، دشت از درفشان
چو دیبای درخشان، مه درفشان
فراز هر یکی، زرین یکی مرغ
عقاب و باز با تاوس و، سی مرغ



به زیر ماه در، شیر آبگون رنگ
تو گفתי شیر دارد، ماه در چنگ
مولانا جلال الدین بلخی :

ما همه شیریم، شیران عَلم
حمله مان، از باد باشد دم به دم

جمال الدین عبدالرزاق در همین زمینه :
ز هیبت تو شیر آسمان همه وقت
چنان که شیر عَلم، روز باد در خفقان
ارزقی از شاعران دوران سلجوقیان :

بدان گهی که چو دریا، یلان آهن پوش
برون شوند خروشان، همال پیش همال
پلنگ و شیر، بخندند بر هلال عَلم
تن از سپنج یمانی و جان، ز باد شمال

همو درباره‌ی پرچم ابوالمظفر یونس :
سیاه روبه گردد، شها ز هیبت تو
سیاه شیر علامتشان، میان سپاه

ابوالفرج رونی در ستایش سیف الدوله محمودابن ابراهیم، می‌سراید :
چندان عَلم شیر بیفراشت که بفروزد
زیشان به فلک، برج اسد به فلک اشکال



هم‌چنین درباره‌ی خواجه منصور :

شخص با صولت تو، شخص خیال
شیر با هیبت تو، شیر عَلم

و نیز در ستایش منصور بن سعید :

خاک هنرش، مرده کند آتش فتنه
باد ظفرش، روح دمد شیر عَلم را

و سعدی :

ز سایه‌ی عَلمِ شیر پیکرت چه عجب
که لرزه بر تن شیران فتد، چو شیر عَلم

فرخی سیستانی، درباره‌ی سلطان مسعود :

بر طالعی به تخت در آمد که آسمان
از چنگدگاه، باز بگردید به گزین
بر آسمان، بزرگترین سعد مشتری است
با ماه، مشتری بوده‌اند اسد قرین

انوری درباره‌ی سلطان سنجر می‌گوید :

شیرِ گردون، پیش شیرِ رایت
سخره، چون آهوی دست آموز بُد

و در جای دیگر :

روز هیجا، کز خروش کوس و اسب
آب گردد، [زهره‌ی] گردان و غطام



در بر شیرِ فلک، شیرِ عَلم
از پی کینِ عدو، بگشاید کام

رجی دیگر از فردوسی توسی :

که چون ماه ترکان [توران] برآید بلند
ز خورشید ایرانش، آید گزند

حافظ :

رنگ تزویر نزد ما نبود
شیر سرخیم و ، افعی سیهیم

قطران تبریزی نیز به شیر و خورشید در یک رج اشاره دارد :

اگر به خانه‌ی شیر آمده است شمشیر رواست
بدان که خانه‌ی شیداست ، بر گردون

در آثار برجای مانده‌ی مربوط به دوره‌های تاریخی، نشان شیر به شکل‌های گوناگون به چشم می‌خورد. در بیشینه‌ی نگاره‌های موجود، شیر را به صورت یال‌دار نشان می‌دهند. نشان‌های نوین‌تر نیز از گونه‌ی همین شیرهای یال‌دارند که گویا همواره مورد توجه بوده‌اند. هم‌چنین برخی از نگاره‌ها، صحنه‌ی نبرد با شیر را نشان می‌دهند و یا موجودی افسانه‌ای با اجزای بدن شیر. مانند برخی از نگاره‌های تخت جمشید که خود نمایان‌گر قدرت شیر و یا پهلوان مبارز با آن است. در زیر نمونه‌هایی از این نگاره‌ها آورده می‌شود :

در سال ۱۳۱۸ خورشیدی و در طول انجام کارهای ساختمانی کاخ شاهی کلاردشت، سردابی کشف شد که گنجینه‌ای را در خود جا داده بود. یکی از آثار این گنجینه، کاسه‌ی زرینی با نقش شیر برجسته است. این گنجینه مربوط به قرن‌های

هشتم تا دوازدهم پیش از میلاد می‌باشد و بر روی « کپل » شیر، گردونه‌ی خورشید به چشم می‌خورد.*



در سال ۱۳۳۷ خورشیدی کاسه‌ی زرین دیگری در تپه‌ی حسنلوی ارومیه کشف شد که مانند گنجینه‌ی کلاردشت، مربوط به سده‌های هشتم تا دوازدهم پیش از میلاد است. بر روی این کاسه‌ی زرین نیز پیکره‌ی شیر و شیربان به خوبی به چشم می‌خورد که در واقع، گویای پیروزی پهلوان مبارز در نبرد با شیر است.

* این کاسه‌ی زرین در موزه‌ی ایران باستان نگهداری می‌شود



در آثار بر جای مانده از دوران هخامنشی نیز نقش شیر به شکل‌های گوناگون به چشم می‌خورد، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود :



مهر داریوش بزرگ



تصویر بازسازی شده‌ی مُهر داریوش بزرگ

نبرد شاهنشاه هخامنشی با شیر

(غارث شده از سوی بیگانگان . محل نگهداری موزه ی بریتانیا)

در این تصویر داریوش بزرگ در حال نبرد با شیر نشان داده شده است . شیر که همواره نماد قدرتمندی بوده است و درست به همین علت، نبرد پهلوانان و شاهان با آن، به گونه‌های مختلف در تخت جمشید نشان داده شده‌اند که خود نماد قدرت‌مندی پهلوان مبارز با آن می‌باشد.



نگاره‌ی دیگر نیز گویای این مفهوم است :

پیکره‌ی شاه هخامنشی

سوار بر شیر



در جای جای کاخ‌های تخت‌جمشید و شوش نیز نقش شیر با شکل‌ها و معناهای گوناگون به چشم می‌خورد. مانند تصویر زیر که نقش دریده شدن گاو از سوی شیر، نمایان‌گر پیروزی روشنایی (روز) بر تیرگی (شب) است.



نقش شیر در کاخ شوش

(غارث شده از سوی بیگانگان . محل نگهداری موزه‌ی لوور)

تصویر دیگر نمایان گر نگاره آناهیتا و شیر است. آناهیتا که از ایزدهای مادینه است بر پشت شیر ایستاده و اشعه‌های خورشید اطراف او را پوشانده است، خورشیدهای پس از آن نیز همانند این تصویر به چهره‌ی بانو ترسیم شده‌اند و دارای چشم و ابرو می‌باشند که در جای خود از آن سخن خواهد رفت.



پیدا شده در آسیای کوچک

(غارث شده توسط بیگانگان محل نگهداری موزه‌ی آرمیتاژ سن پترزبورگ)



آیین‌های هخامنشی

(غارث شده از سوی بیگانگان)

نگاره‌ی زیر نیز مربوط به کلیسای سیاه (قره کلیسا) یا کلیسای تادئوس مقدس است که در نزدیکی چالدران در آذربایجان غربی قرار دارد و نقش شیر به خوبی بر دیواره‌ی آن نمایان است.



کلیسای تادئوس (کلیسای سیاه یا قره کلیسا)

عکس از : علی رضا حکیمی



مهر داریوش در ورودی کاخ یا معبد هیبیس در مصر
(در این نقش نیز خورشید بر فراز شیر دیده می شود)



سنگ نوشته‌ی خشایار در وادی همممت در مصر
(در این سنگ نوشته شیر و خورشید به روشنی به چشم می خورد)

خورشید در بن نبشت‌ها

خورشید درخشان‌ترین جرم آسمان و پادشاه ستارگان است و می‌دانیم که نزد مردمان باستان جایگاه بس بلندی داشته که گاهی نیز به پرستش آن بر می‌خاسته‌اند. خورشید، نماد نور، روشنایی و گرمادهی است و از آن‌جا که «آتش» همین نقش را در زمین بر عهده دارد، این دو نماد پیروزی روشنی بر تاریکی و گرما بر سرما، همواره گرمی داشته می‌شدند.

جایگاه بلند خورشید، همواره علت همانند کردن بزرگان به آن بوده است. زیرا «نورانی» بودن و محوریت صاحب آن را به همراه داشته است. از همین روست که در ایران باستان همانندی شاهان با خورشید وجود داشته و هاله‌ی نورانی گرداگرد صورت که در سکه‌های دوران باستان به ویژه دوره‌ی ساسانی به روشنی دیده می‌شود، نمادی از این هم‌سانی فرمانروایان با خورشید است؛ رسمی که پس از اسلام نیز ادامه پیدا می‌کند. به راستی، نور گرداگرد صورت ضرب‌کننده‌ی سکه، نمایان‌گر فره ایزدی و منسوب کردن خود به قدرتی آسمانی و برتر است. در نامه‌ای که از شاپور ساسانی به امپراتور روم در دست داریم، از شاهنشاه ایران به عنوان «شاهنشاه شاپور و برادر خورشید و ماه» نام برده شده است.*

سکه‌ی اردشیر پاکان





سکه‌ی شاپور بزرگ (یکم)



سکه‌ی یزدگرد سوم

اما در نگاره‌های بسیاری از آثار برجای مانده، خورشید به سیمای زنی کشیده شده است. چرا که ایرانی‌ها، خورشید را مادینه یعنی زاینده می‌دانستند و به همین علت نیز آن را در شکل بانویی می‌نگاشتند. هم‌چنان که امروزه نیز در گفتار رایج، بانوان را به خورشید تشبیه می‌کنند و می‌گویند «خورشید خانم». افزون بر این در زبان‌های جدا شده از زبان کهن ایرانی، مانند آلمانی نیز خورشید دارای حرف تعریف مادینه (Die Sonne) است.



خورشید در سروده های شاعران

شاهنامه :

در داستان رستم و سهراب، از زبان هژیر درباره ی درفش بزرگان ایران :

یکی زرد خورشید پیکر درفش
سرش ماه زرین، غلافش بنفش

و در پادشاهی خسرو پرویز :

چو خورشید گردنده بیرنگ شد
ستاره به برج شباهنگ شد

فخرالدین اسعدگرانی در ویس و رامین :

زبان پهلوی هر کو شناسد
خراسان آن بود کز وی خور آید
خور آسَد پهلوی باشد خور آید
عراق و پارس را زو خور برآید
خراسان را بود معنی خورآیان
کجا زو خور برآید سوی ایران

شیر و خورشید، بر روی پرچم

بر پایه‌ی بن نبشت‌ها (منابع و ماخذ) موجود «شیر و خورشید» از دوران صفویان تا پایان دوران پهلوی، نشان رسمی دولت ایران بود.

گرچه خورشید و شیر از نمادهای کهن در تاریخ «دیربود» ما هستند؛ اما در کنار هم قرار گرفتن این دو نماد به عنوان نشان رسمی دولت ایران، دارای پیشینه‌ای کمابیش ۸۰۰ ساله است. البته باید توجه داشته باشیم که شیر و خورشید در کنار هم؛ اما نه به عنوان نشان رسمی دولت ایران، پیشینه‌ای درازتر دارند.

نخستین بن نبشت (سندی) که از شیر و خورشید بر روی پرچم در دست داریم، به دوران خوارزمشاهیان باز می‌گردد.

در کتاب تاریخ منظم مغول، سروده‌ی شمس‌الدین کاشانی که سرایش آن از

رمضان سال ۸۲۵ تا صفر سال

۸۲۶ مهی (شهریور تا بهمن

۸۰۱ خورشیدی) به درازا کشیده

است، مینیاتوری وجود دارد

که شماری از مغولان را نشان

می‌دهد که به دروازه‌ی شهر

نیشابور آمده و مردم شهر را به

تسلیم فرا می‌خوانند. در این

مینیاتور، پرچم شیر و خورشید

بر فراز دروازه‌ی شهر نیشابور در

اهتزاز است.



این درفش دارای دو «زبانه» است و در بخش چهارگوش و حاشیه‌دار آن، نشان شیر و خورشید به چشم می‌خورد. شیر در این پرچم ایستاده است و خورشید برآمده (طالع) در پشت شیر قرار دارد.^۱ این دو، یعنی شیر و خورشید به عنوان نماد نیرومندی زمینی و آسمانی شناخته می‌شدند.

شیر از دید ایرانیان، نیرومندترین و پر صلابت‌ترین آفریده‌ی خداوند بر روی زمین و خورشید نمایان‌گر همین نقش در آسمان است. از این رو از دوران کهن، آن‌ها را بر کاخ‌ها و به ویژه پرچم‌ها که نشان دهنده‌ی هویت ایستادگان به زیر پرچم بود نقش می‌کردند.

هم‌چنان که پیش از یورش مغولان نشان شیر و خورشید، نشان رسمی دولت ایران بود.

پس از یورش مغولان و تیمور، در دوران صفویان، افشاریان، زندیان، قاجاریان و پهلویان، هم‌چنان نشان رسمی دولت شاهنشاهی ایران بود.

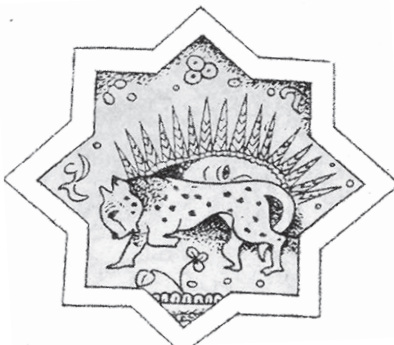
نشان شیر و خورشید به معنای نشان «نیرومندترین خورشید» است، زیرا در خانه‌ی شیر (اسد) - مرداد ماه - خورشید شدت و قدرت بیش‌تری از دیگر ماه‌های سال دارد. از این رو، باید گفت که در حقیقت «شیر» در برج «اسد» نماد نیرومندترین خورشید می‌باشد و بر همین اساس است که خورشید را بر پشت شیر به نمایش در می‌آورند.

بر روی بشقاب لعاب‌دار به دست آمده در ری که مربوط به سده‌ی چهارم هجری است، بر بالای سر شیر، گردونه‌ی مهر یا گردونه‌ی خورشید که نمادی از خورشید است به چشم می‌خورد.



برگرفته از تاریخ پرچم ایران (رویه ۳۸۲)

نمونه‌ی دیگر، کاشی‌کاری است مربوط به سال ۶۶۵ هجری (۶۴۵ خورشیدی / ۲۶۷ میلادی) در خراسان. در این کاشی‌کاری، خورشید را به صورت نیمه طالع و به سیمای زنی نشان می‌دهد که از پشت شیر در حال بالا آمدن است.



بزرگ شده‌ی تصویر

در زیر، این کاشی‌کاری به صورت کامل نشان داده شده است. تصویر بالا، بخشی از این تصویر است.



سفرنامه از خراسان تا بختیاری

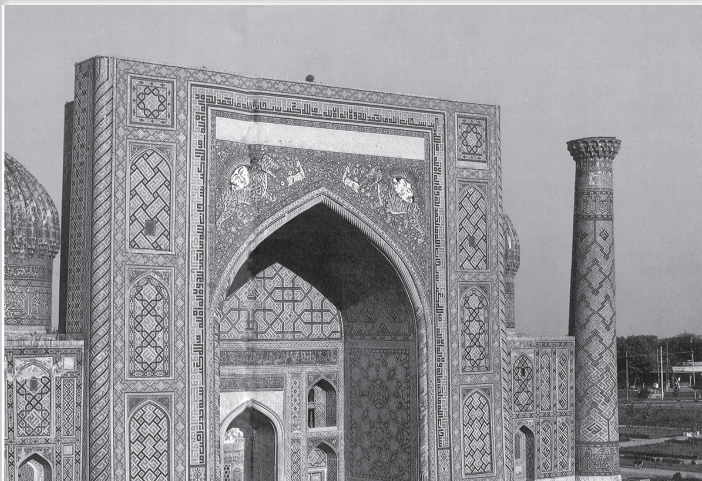
برگرفته از کتاب تاریخ پرچم ایران
(غارت شده از سوی بیگانگان - محل نگهداری موزه لوور)

«کلاویخو» که از سوی پادشاه اسپانیا به دربار تیمور لنگ گسیل شده بود. او در سال ۱۴۰۴ میلادی (۷۸۳ خورشیدی) به دیدار تیمور می‌رسد. وی در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد:^۲

فردای آن روز که مصادف با جمعه بود به دنبال ما آمدند و ما را برای دیدن کاخ دیگری که ناتمام بود بردند. می‌گفتند که بیست سال است که این کاخ در دست ساخت است... این کاخی که درباره آن سخن می‌گوییم، دری داشت فوق‌العاده بلند و در دالان آن به سمت راست و چپ تاقی‌هایی باز می‌شد که پیرامون آن‌ها، با کاشی‌هایی آبی آرایش گشته بود... در انتهای این دالان، دروازه‌ی بزرگ دیگری است که به حیاط بزرگی باز می‌شود... این حیاط تحقیقا سیصد گام پهنا دارد. از تاقی بسیار بلند و پهن، وارد فضای اصلی کاخ می‌شوند.

این دروازه سراپا با کاشی‌های زرین و آبی، به شیوه‌ی بسیار زیبایی آرایش یافته است. بر فراز آن شکل شیر و خورشید دیده می‌شود. عین این شکل، بر فراز همه‌ی

تاق‌هایی که در پیرامون حیاط است، دیده می‌شود. این نشان شیر و خورشید چنان که به ما گفتند، نشان مخصوص صاحب سمرقند بود. به ما گفتند که تیمور بانی کاخ است؛ اما به گمان من، بعضی از قسمت‌های آن را صاحب سمرقند که پیش از تیمور، بر آن شهر فرمان می‌راند، ساخته است. زیرا که نشان شیر و خورشید که در این جا دیدیم، نشان خاص او بود. نشان خاص تیمور سه دایره‌ی کوچک است [که سه بری را تشکیل می‌دهد]... تیمور فرمان داده است تا این نشان را بر سکه‌های او ضرب کنند و بر همه‌ی ساختمان‌ها، ایوان‌ها و نقش نمایند. به این جهت است که این ساختمان‌ها [که نشان شیر و خورشید دارند] به دست بزرگی ساخته شده است که پیش از تیمور فرمانروایی می‌کرده است...



سر در مدرسه شیر - سمرقند (پیوست شماره ۳)

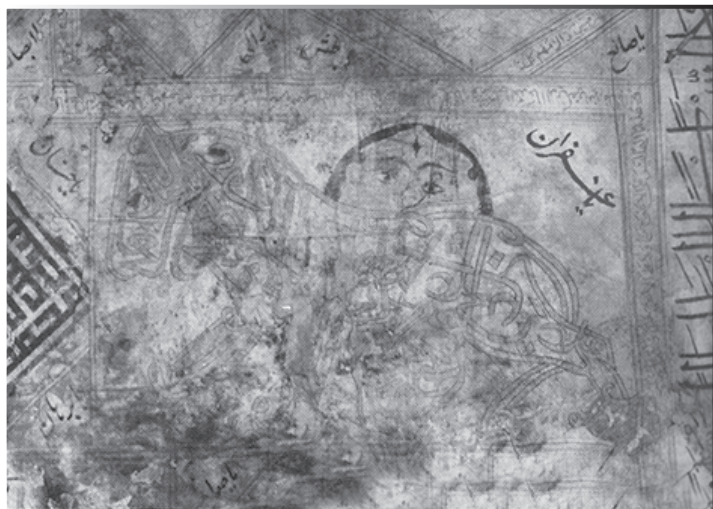


روشن است که پیش از تیمور دوران مغولان بوده است، پیش از آن‌ها خوارزمشاهیان و پیش‌تر نیز سامانیان فرمانروای سمرقند بودند. از این‌رو می‌بایست نشان شیر و خورشید، نشان سامانیان یا خوارزمشاهیان باشد؛ زیرا نشان مغولان یک مربع در درون یک مستطیل و نشان تیموریان سه دایره کوچک بود که روی هم رفته سه بری را تشکیل می‌دادند.

الف – دوران صفویان

شاه اسماعیل صفوی، تن پوشی دعا نوشته داشت که در نبردها آن را زیر زره به تن می‌کرد. این پیراهن نادر، از دیرین‌ترین نمونه‌ی خطی و تذهیبی طغرای به شمار می‌رود. پیراهن‌های رزمی، برای تیمن و پیروزی بر دشمنان تهیه می‌شدند و دعا‌های نگاهدارنده بر روی آن نوشته می‌شد. این پیراهن را شاه اسماعیل پس از شستن تن و گذاردن نماز ویژه، در زیر زره به تن می‌کرد. این پیراهن کار استاد دوست محمد توسی است و آن را در شهر مشهد، به شاه اسماعیل پیش کش کرده است. چنان که گفته شد، بر روی این پیراهن، از جمله سوره‌ی فتح نگاشته شده است. در پشت پیراهن دو شیر به چشم می‌خورد:^۳

پشت هر دو شیر، خورشید خانم با تبسم سنگینی
دیده می‌شود که در شیوه‌ی هراتی نقش بسته است
و در زمینه بالای شیر دست راست، کلمه (یاغفران) و
در زمینه بالای شیر دست چپ کلمه (یامستعان) نوشته
شده و کل اسامی باری‌تعالی به طور پراکنده‌ای، در
محل‌های مختلف پیراهن درج گشته است.





ژان زوناراس تاریخ نگار روم غربی سده‌ی دوازدهم میلادی (ششم هجری) می‌نویسد :^۴

شیخ جنید [صفوی] برای افتخار جانشینان خود نقش
دیگری یافت و آن شیری خفته بود که خیره به
خورشید تابان می‌نگریست و ایشان [آن] راروی
سکه‌های مس نقش می‌کردند و مغول
بزرگ [پادشاهان باری هند] و چند تن از امرای
بزرگ هندوستان، آن را به عنوان وثیقه‌ی دوستی
پذیرفتند. [در ارتباط با پیوست شماره یک]

کمابیش در سال ۱۶۳۳ میلادی (۱۰۱۲ خورشیدی) فردریک پادشاه نروژ به وسیله‌ی دوک شلزویک هولشتاین (Schelswieg Hohlstein) که امروزه یکی از استان‌های آلمان است، در صدد داد و ستد با ایران برآمد. از این رو ، وی هیاتی را به ایران گسیل داشت که یک جوان آلمانی با نام آدام اولتاریوس از اعضای آن بود. وی پس از بازگشت، خاطرات خود را از این سفر منتشر کرد. وی در خاطرات خود (انتشار یافته در سال ۱۶۵۶ م / ۱۰۳۵ خ) می‌نویسد :^۵

امروزه ترکان هلال ماه را به کار می‌برند و ایرانیان،
خورشید را که بیش تر بر پشت شیر، جای می‌دهند.

از حسین‌علی بیگ نیز که از سوی شاه عباس بزرگ به سفارت نزد پادشاهان اروپا فرستاده شده بود، تصویری بر جای مانده است. در بالای این تصویر که مربوط به سال ۱۰۱۰ ق (۹۸۰ خ / ۱۶۰۱ م) و هنگام ورود به شهر رم می‌باشد، نقش شیر و خورشید به چشم می‌خورد :^۶



در این تصویر، شیر بر روی پاهای خود بلند شده و زبان از دهان بیرون آورده است خورشید نیمه پیدا با چشم و ابرو بر پشت شیر و تاجی بر بالای سر دارد. [شیر] دُم خود را علم کرده است.

بدون دودلی، شیر بر پا ایستاده و دم علم کرده و زبان از دهان بیرون آورده، نمادی از آمادگی جنگی دولت ایران بود که می‌بایست در این سفارت به نمایش گذارده می‌شد.

افزون بر این‌ها، جوناس هن وی (Jonas Hanway) درباره‌ی شهر فرح آباد که شاه عباس آن را در ۴۷ کیلومتری شهر ساری ساخته بود می‌نویسد: ^۷
در این محل، شاه عباس کاخ مشهوری پی افکنده



است که نظیرش هرگز در تمامی راسته‌ی دریای
مازندران، دیده نمی‌شود.

برفراز در بزرگ ورودی، نشان ویژه‌ی ایران قرار دارد
که شیروخورشید طالع است و از این شیروخورشید،
قدرت و حشمت سلطنت ایران، افاده می‌شود...

هم‌چنین ژان شاردن (John Chardin) که میان سال‌های ۱۶۶۴ تا ۱۶۶۷ میلادی
(۱۰۴۳ تا ۱۰۴۶) دو بار به ایران سفر کرده است، درباره‌ی نقش شیر و خورشید
و شمشیر بر روی درفش‌های جنگی ایرانیان و نیز نقش خورشید، بر روی سکه‌ها
می‌نویسد:^۸

درفش [نظامی] ایرانیان، مانند درفش نظامی
ما [فرانسویان] به شکل نوک تیز، برش یافته و از انواع
رنگ‌ها و انواع پارچه‌های گران، ساخته شده است. این
درفش خواه برای سواره نظام و خواه برای پیاده نظام،
یکسان است... عبارت شهادتین، یا عبارتی از قرآن یا
شمشیر دو سر علی[ع] را با یک شیر یا یک خورشیدی
که بر پشت آن ایستاده است، بر روی درفش نقش
می‌کنند. یکی از سِمَت‌های نظامی ایران، نگهداری
درفش بزرگ است که به آن علمدار باشی می‌گویند.

وی در جای دیگر می‌نویسد:^۹

سکه مسین «فلوس» در یک روی، دارای هیروگلیف
ایران می‌باشد که شیر است با خورشید تابانی بر پشت آن
و در روی دیگر، زمان و جایی که سکه در آن جا زده شده
است.

شاردن می‌افزاید: ^{۱۰}

من گفته‌ام شیر علامت پادشاهان ایران است.
آن را با خورشید در حال طلوع نقش می‌کنند که
پهلوی آن است و سه‌چهارم قرص آن پیدا است.
این نقش در روی بیرق‌ها و سکه‌های مس و هزار
جای دیگر دیده می‌شود.

از قدیم گفته‌اند ایرانیان چون می‌خواستند
خورشید را رسم کنند آن را با چهره‌ی شیر
می‌کشیدند، زیرا که چون خورشید در برج شیر
باشد از برج‌های دیگر بیش‌تر نیرو دارد...

ژان باتیست تاورنیه (John Baptist Tavernier) که میان سال‌های
(۱۶۶۸ - ۱۶۲۸ م/ ۱۰۴۷-۱۰۰۷ خ) چندین بار به عثمانی، ایران و هندوستان
مسافرت کرده است، درباره‌ی آیین عزاداری عاشورا در حضور شاه صفی دوم (سلیمان) در
میدان نقش جهان و نمایش فیل‌ها در مراسم عزاداری می‌نویسد: ^{۱۱}

روپوش این پنج فیل، زری و دورش گلابتون
[دوزی بود] ... روی یکی از فیل‌ها که بزرگ‌تر و بلند
تر بود، دو تن سوار بودند، یکی روی گردن و دیگری
روی کپل حیوان.

آن که روی گردن فیل نشسته بود، فیل‌بان و آن
دیگری که در عقب بود، بیرق بزرگی که دارای علامت
پادشاه [شیر و خورشید] بود، در دست داشت.

اروج بیگ بیات (دون ژوان ایرانی) می‌نویسد: ^{۱۲}

هنگامی که شاه ایران به آهنگ پیکار بیرون می‌رود،
موضوع را [به] وسیله‌ی درفشی که پیشاپیش موکب

او می‌برند، به عموم اعلان می‌کنند.
از آن گذشته، چتر شاهی را بر سر وی هم‌چنان
که سوار است، نگاه می‌دارند.
این چتر با احجار کریمه [سنگ‌های گران‌بها]
و گوهر مزین است. چنان که در نهایت جلال و
شوکت و همچون آفتاب، می‌درخشد...

انگلبرت (Engelbert) از مردم آلمان بود و دو سال (۱۰۶۴-۱۰۶۲ خ/۱۶۸۵-۱۶۸۳ م) را
در ایران به سر برده است. انگلبرت در سال ۱۰۶۳ خورشیدی (۱۶۸۴ میلادی)
به دربار شاه سلیمان صفوی راه یافته است. وی در شرح درهای ورودی حرم‌سرای
شاهی می‌نویسد:^{۱۳}

این دروازه تمام به رنگ آبی کاشی کاری شده
است و دارای علامت خورشید بزرگی است که از
آن اشعه‌ی طلایی دایره وار ساطع می‌شود. این
نشانه‌ی اسرارآمیز قدرت نامحدود، در جنگ‌ها
نیز پیشاپیش قوا حرکت داده می‌شود. در بقایای
بناهای ایران قدیم نیز نقش شیر که آن را در سنگ
حک کرده باشند اندک نیست. این رمز از دیر باز،
با پادشاهان ایران ارتباط داشته، ولی در نشان‌ها
اغلب آن را به همراه خورشید، نمایانده‌اند. در این
نشان‌ها اغلب شیر، خورشید را در دهان باز خود،
نگاه داشته است.

این تصاویر نیز، انواع و اقسام مختلف دارد،
ولی چیزی که در همه مشترک است، این است که
همواره شیر را در حال قیام و مغرور نشان می‌دهند.
از آن جا که هنوز هم شاه را برادر خورشید

می‌نامند، پس از این که در مدخل حرم، تصویر
خورشید را نقش کرده‌اند نباید در شگفت شد.

اما باید گفت نشان خورشید بر دروازه‌ی حرم‌سرای شاه‌صفی که انگلبرت آن را شرح کرده است، نشان زاینده‌گی و باروری است. چنان که تا پایان دوره‌ی قاجاریه، خورشید را با چشم و ابرو، به سان بانویی نقش می‌کردند. امروزه خورشید بر روی پرچم کشور آرژانتین، دارای چشم و ابروست. دیگر این که او واژه‌ی « ظل الله » را که به پادشاه می‌گفتند درست درنیافته و در نتیجه آن را « برادر خورشید » دانسته که خود برداشت زیبایی است و در حقیقت، همان فرمان (لقب) شاپور ساسانی است.

در پایان این دوره و هم‌زمان با دوران شاه سلطان حسین صفوی جزایر جنوبی خلیج فارس به اشغال نیروهای بیگانه در آمده بود. وی برای بیرون راندن شیخ مسقط که با پشتیبانی انگلیسی‌ها بحرین را تصرف نموده بود و سرکشی می‌کرد، امتیازهای قابل توجه بازرگانی به هلندی‌ها داد و از آنان خواست که برای آزادسازی بحرین، دو کشتی جنگی در اختیار ایرانیان قرار دهند. هلندی‌ها از این کار شانه خالی کردند و در نتیجه امتیازهای داده شده به آنان لغو گردید. با هم‌کاری نکردن هلندی‌ها، شاه سلطان حسین رو به دربار فرانسه آورد. از این رو، وی در بهار سال ۱۰۹۳ خورشیدی (۱۷۱۴م)، محمد رضا بیگ کلانتر ایروان را به سفارت آن کشور فرستاد. محمدرضا بیگ روز ۲۴ بهمن ۱۰۹۳ (۱۳ فوریه ۱۷۱۵) با تشریفات با شکوهی در قصر ورسای به حضور لویی چهاردهم رسید و نامه‌ها و هدایای شاه ایران را به وی رساند.

۱۹۲ سال بعد یعنی در سال ۱۹۰۷ میلادی (۱۲۸۶ خورشیدی) موریس هربرت (Maurice Herbert) فرانسوی، کتابی درباره‌ی ماموریت سیاسی محمدرضا بیگ به نام « فرستاده‌ی ایران به دربار لویی چهاردهم » منتشر کرد: ^{۱۴}



در این کتاب، چند جا سفیر [ایران] را در حال گذشتن از خیابان‌های پاریس نشان می‌دهد که بیرق ایران برفراز سر محمدرضاییگ افراشته است. بر روی این بیرق، پیکره‌ی شیر ایستاده است که دم علم کرده و خورشیدی بر بالای سر دارد. این پرچم، دارای دو زبانه است.



نگاره‌ی دیگری از محمد رضا بیگ صفیر شاه سلطان حسین در پاریس



پشت سکه



روی سکه

شیر و خورشید بر روی سکه مسین (فولوس) دوران صفویان



سکه‌های دوران صفویان با نقش شیر و خورشید

ب - دوران افشاریان

پس از فروپاشی سلسله‌ی صفویه به دست محمود غلجایی ایران دچار آشوب شد و مرزهای آن مورد یورش قرار گرفت تا این که نادرشاه، توانست بار دیگر مرزهای فلات ایران را تثبیت کند. پرچم نادر شاه نیز مزین به شیر و خورشید بود. (پیوست شماره ۴)

مارتیمر دوراند (Mortimer Durand) انگلیسی، درباره‌ی نقش شیر و خورشید بر درفش نادرشاه می‌نویسد: ^{۱۵}

تخت شاهی چند گام از زمین بلندتر است و یک
چتر طلایی دارد که عمودهایش هم، زرین است
و بر هر سوی آن تخت، یک شیر زرین ایستاده
است. پشت سر آن، علم بلندی که بیرق سلطنتی
می‌خوانند و از ابریشم قرمز و زرد و مطرز به علامت
شیر و خورشید ایران است در اهتزاز می‌باشد.

افزون بر این بر روی مهر نادرشاه نیز نقش شیر و خورشید نمایان است :



(برگرفته از تاریخ پرچم ایران)

پ - دوران قاجاریان

با آغاز فرمانروایی آقامحمدخان قاجار و تثبیت دوباره‌ی مرزهای سیاسی به وسیله‌ی وی که پس از نادرشاه، دست‌خوش تزلزل شده بود، شیر شمشیر بر کف گرفت و در نتیجه، از آن تاریخ تا پایان دوران پهلوی، شیر در حالی که خورشید از پشت آن طالع بود، شمشیر نیز بر کف داشت. این امر از نگاره‌ی بر جای مانده از وی نمایان است. به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی، روزنامه‌ی لوموند چاپ پاریس در مقاله‌ای، تابلویی از آقا محمد خان قاجار را در کنار دژ تفلیس به چاپ رسانید که تاریخ آن مربوط به سال ۱۱۷۴ خورشیدی (۱۷۹۵ میلادی) است. در این تابلو آقا محمدخان سوار بر اسب سفید معروف نژاد ایرانی است و پشت سر او، پرچم‌دار، پرچم شیر و خورشید را بر بالای سر او نگه داشته است؛ در حالی که شیر، شمشیر بر کف دارد. (پیوست شماره ۵). به باور نویسنده، پرچم شیر و خورشید، در حالی که شیر، شمشیر بر کف دارد، پرچم جنگی آقا محمدخان بود که پس از وی هم‌چنان شمشیر بر کف شیر، باقی ماند.



Portrait of Pers. Agha Muhammad Khan Kadja au siège de Tbilissi en 1795

برگرفته از کتاب تاریخ تجزیه‌ی ایران - دفتر چهارم - تجزیه‌ی قفقاز

باید بدانیم که فتح‌علی شاه، چند سر از این نژاد اسب سفید ایرانی را به ناپلئون هدیه داد که او در نبردهای معروف خود، بر این اسب سوار می‌شد، تابلوهای او در حالی که اسب سفید او بر روی پا بلند شده است، همانندی زیادی با تابلوی اقا محمد خان در میدان نبرد دارد (پیوست شماره ۵). این اسب‌ها جزو هدایایی بودند که عسگرخان افشار ارومی سفیر ایران نزد ناپلئون، با خود به پاریس برده بود: ^{۱۶}

فتح‌علی شاه هم‌چنین برای ناپلئون ۲۳ اسب فرستاده بود که در تاریخ دسامبر [۱۸۰۸ میلادی/۱۱۸۷ خورشیدی]، به شهر نانسی می‌رسد و دوازده ایرانی، هدایت آن‌ها را به عهده دارند.

از نکته‌های جالب، اونیفورم جانداران (محافظین) آقامحمدخان و نیز توپ‌چیان است که همگی دارای تن پوش یکسان هستند. (پیوست شماره ۵)

فتح‌علی شاه، پس از قرارداد گلستان، میرزا ابولحسن خان شیرازی را به عنوان سفیر به انگلستان گسیل داشت: ^{۱۷}

میرزا ابولحسن خان شیرازی، در سفارت خود به انگلستان، دارای پرچم و پرده‌ای بود که همه جا، پیشاپیش او حرکت داده میشد. بر روی پرچم ایران، پنج بیت شعر نوشته شده بود که بیت سوم آن چنین بود:

ایران کنام شیران، خورشید شاه ایران
زان است، شیر و خورشید، نقش درفش دارا

ملک شاه نظرزاده میرداد و ضادوریان، از ایرانیان ارمنی بود که از سوی فتح علی شاه، به سفارت نزد فرمانروایان اروپا گسیل شد. وی در سال ۱۸۱۷ میلادی (۱۱۹۶ خورشیدی)، کتابی به سه زبان فارسی، فرانسه و ارمنی به چاپ رسانید. میرداد و ضادوریان در آغاز کتاب، نقش نشان شیر و خورشید را که از دست فتح علی شاه دریافت داشته بود، به چاپ رسانیده است.

وی همچنین، در دنباله‌ی نام خود به زبان فرانسه، دارنده‌ی نشان شیر و خورشید ایران را آورده و به فارسی نیز نوشته است: ^{۱۸}

مرقوم شد، در دارالسلطنه‌ی پاریس در شهر رمضان
المبارک سنه ۱۲۳۱ [امرداد ۱۱۹۵ / اوت ۱۸۱۶] صاحب
نشان شیر و خورشید ایران، ملک‌شاه نظرزاده میرداد
ضادوریان

یک فرانسوی به نام لانگه (Langes) کتابی درباره‌ی ایران در دوران فتح علی شاه نوشته است. این کتاب در سال ۱۸۱۷ میلادی (۱۱۹۶ خورشیدی) با ترجمه‌ی ارمنی آن در پاریس به چاپ رسیده است. «لانگه» در این کتاب می‌نویسد: ^{۱۹}

به هم‌چشمی سلیم سوم عثمانی که نشان «هلال» را
دید آورده و پادشاهان عثمانی آن را به اروپاییان و دیگر
از ترسایان دهند، فتح علی شاه نشان «مهر و خورشید»
را درست کرده است.

البته می‌دانیم چنین نیست و آن‌گونه که دیدیم، نشان شیر و خورشید، پیشینه‌ای بس طولانی دارد و دست کم از دوران صفویان پیوسته مورد استفاده بوده است و ساخته‌ی دست فتح علی شاه، آن هم در برابر «هلال» عثمانی‌ها نیست. شاید وی چیزی از بیت معروف شاهنامه درباره‌ی هلال تورانیان و خورشید

ایرانیان را شنیده بوده و مساله را این گونه بازگو کرده است :

که چون ماه ترکان [توران] بر آید بلند
ز خورشید ایرانیش آید گزند

لوئیز دوبو (Louis Dubeau) در کتاب خود به نام « لا پرس » (La Perse) که درباره‌ی ایران نگاشته و دوران پادشاهی محمد شاه را در بر می‌گیرد، می‌نویسد:^{۲۰}

از شیوه‌ی پادشاهان ایران این است که درفش‌های
بسیار به کار می‌برند و بر روی این درفش‌ها، دو
شکل نگاشته می‌شود، یکی تیغ دوسرعلی [ع]
[ذوالفقار] و دیگری، رویه شیر خوابیده که خورشید از
پشت او در می‌آید. این دوشکل را در کوشک
پادشاهی نیز نگاشته‌اند. همچنین، بر نشان‌هایی که
شاه ایران به سپاهیان و سرکردگان و نمایندگان
اروپایی به نام نواختن ایشان دهد، این دو شکل
هست.

باید دانست پرچم با نقش ذوالفقار، می‌بایست پرچم جنگی می‌بوده و نیز نشان
ذوالفقار، می‌بایست از آن سرداران و جنگیان می‌بوده است. چنان که در دوره‌ی
پهلوی نشان ذوالفقار، برترین نشان جنگی ایران بود که به سپاهیان داده می‌شد.
بر پایه‌ی بن‌نیشته‌های (اسناد) موجود، نخستین بیگانه‌ای که مفتخر به
دریافت نشان شیر و خورشید گردید، ژنرال یرمولف روس بود که با هدیه‌هایی از
سوی الکساندر یکم امپراتور روسیه، به حضور فتح‌علی‌شاه رسیده بود.
فتح‌علی‌شاه برای گرفتن امتیاز از روس‌ها، بر سر مرزهای دو دولت در قفقاز،
میرزا ابولحسن خان شیرازی را به دربار تزار گسیل داشت. تزار، میرزا ابولحسن را

به حضور پذیرفت و در این دیدار میرزا ابوالحسن خان، هدیه‌های فتح‌علی‌شاه و پیام او را تقدیم کرد. از آن‌جا که در این زمان، ناپلئون از جزیره‌ی الب گریخته و پس از رسیدن به پاریس آماده‌ی جنگ شده بود، تزار زبانی قول داد که حاضر است، بخشی از سرزمین‌های اشغالی را پس دهد.^{۲۱} در حالی که پس از شکست ناپلئون در واترلو و پایان گرفتن کار او، تزار موضع‌آشتی ناپذیری گرفت و حتا «زیر قولش زد».^{۲۲}

فتح‌علی‌شاه هدیه‌های گران‌بهایی که به نیم کرور (دویست و پنجاه هزار تومان) می‌رسید، برای تزار روس فرستاد. در میان این هدیه‌ها چند فیل هم وجود داشت.^{۲۳}

میرزا ابولحسن خان، با جلال و شکوه ویژه‌ای همراه این فیل‌ها، وارد سن‌پترزبورگ شد: ^{۲۴} پیشاپیش این کاروان، سواری با پرچمی افراشته در دست، حرکت می‌کرد. این سوار، پرچم چهار گوشه‌ی حاشیه‌داری را در دست دارد که بر روی آن نقش شیری ایستاده و خورشیدی بر پشت و شمشیری در دست دارد. سر شیر به سوی چپ پرچم است.

به دنبال سفارت نافرجام میرزا ابولحسن خان شیرازی به سن‌پترزبورگ، روس‌ها به وی آگاهی دادند که ژنرال یرمولف که به عنوان فرمانروای قفقاز برگزیده شده است، برای حل و فصل مسایل میان دو دولت بر سر مرزها در قفقاز، به تهران خواهد آمد.

در برابر نشانی که تزار به میرزا ابوالحسن خان داده بود، فتح‌علی‌شاه نیز با وجود زشت کاری‌های بسیار یرمولف در قفقاز، نشان شیر و خورشید را به فرستاده‌ی تزار اهدا کرد.

فرمان این نشان، افزون بر آن که نخستین فرمانی است که به نام یک بیگانه صادر می‌شود، نمایانده‌ی روش سیاست خارجی دولت ایران در آن زمان نیز می‌باشد. (پیوست شماره ۲)

موریس دوکوتزبوئه آلمانی که در خدمت ارتش روسیه بود، در سال ۱۸۱۷ میلادی (۱۱۹۶ خورشیدی) سفرنامه‌ای منتشر کرده است. وی در این سفرنامه می‌نویسد که بر روی پرچم جمازه‌سواران ایران، شیری خفته که خورشیدی طالع بر پشت دارد، نقش بسته است.^{۲۵}

افزون بر او، جان ملکم انگلیسی نیز که دو سفارت نافرجام در ایران داشت، درباره‌ی نقش شیر و خورشید می‌نویسد:^{۲۶}

سلاطین ایران هم از قرن‌های بسیار، صورت شیر
و خورشید را از مخصوصات خود شمرده‌اند. سبب این
درست معلوم نیست ...

شیخ محمدبن خلیفه که از سوی دولت ایران بر گله‌جزیره (مجمع الجزایر) بحرین فرمان می‌راند، در سال ۱۲۲۸ ق (۱۱۹۲ خ - ۱۸۱۳ م) در نامه‌ای به فتح‌علی شاه می‌نویسد:^{۲۷}

راجع به خراج بحرین ... اسناد و قبوض به
جناب میرزا مهدی خان تسلیم شد که هر ساله، به
خوانه‌ی عامره‌ی دولت علیه‌خواهم پرداخت و علم شیر
و خورشید [را] در خاندان خود همه وقت، رسم
و برقرار نمودم.

چنان که گفته شد تا جایی که ما می‌دانیم نخستین پرچم شیروخورشیدی که در آن شیر، شمشیر بر کف دارد مربوط به دوران آقا محمد خان است که شیر ایستاده و شمشیر را به دست راست گرفته است. در دوران جنگ‌های روسیه علیه ایران نیز شیر ایستاده و شمشیر به کف دارد. در میدان نبرد، ایرانیان زیر پرچم شیر و خورشید می‌جنگیدند. یکی از این تابلوها، نگاره‌ای است که هم‌اکنون در موزه آرمنیائز روسیه نگهداری می‌شود. این تابلو پیروزی سپاه ایران را به فرماندهی عباس میرزا بر سپاه روس در ۱۳ فوریه ۱۸۱۲ (۲۳ بهمن ۱۱۹۰) در سلطان آباد نشان می‌دهد. شمشیر در این تصویر نیز در دست راست شیر است (پیوست شماره ۶).^{۲۸}

در دوران فتح‌علی شاه، شیر خوابیده با شمشیر هم دیده شده است.



امروزه نیز در موزه‌ی شهر بادکوبه، پرچم‌های ایالت‌ها، ولایت‌ها و خان نشین‌های قفقاز (بادکوبه، گنجه، شکی، شیروان، قبه و ...) مربوط به دوران پیش از استیلای روس‌ها بر این منطقه و جدا سازی آن از ایران نگاه‌داری می‌شوند. بر روی این پرچم‌ها، نشان شیروخورشید به چشم می‌خورد.



نمایی از جنگ‌های روسیه علیه ایران

در سال ۱۲۵۲ مهی (۱۲۱۵ خ - ۱۸۳۶ م) در دوران پادشاهی محمد شاه، نظام نامه‌ای درباره‌ی اعطای امتیاز و نشان، به نام نظام نامه‌ی نشان دولت علیه ایران، تنظیم گردید.

در مقدمه‌ی این نظام‌نامه، افزون بر کهن بودن این نشان، توجیه درستی از نشان شیر و خورشید یا شیر در خانه‌ی خورشید (برج اسد) که نمایانده‌ی «نیرومندترین خورشید» می‌باشد، به دست داده شده است: ^{۲۹}

پس برای هر دولتی نشانی ترتیب داده‌اند و دولت علیه ایران را هم نشان شیر و خورشید متداول بوده است که قریب سه هزار سال، بل متجاوز از عهد زرتشت این علامت بوده و سبب انتشار آن شاید این باشد که در دین زرتشت آفتاب را مظهر کل و مربی عالم میدانسته‌اند و به این سبب او را پرستش می‌کرده‌اند و چون به تجربه و امتحان که قرار علم نجوم بر آن است چنین دریافته‌اند که کواکب سبعة سیاره در بعضی از بروج خوشحال‌اند و در بعضی بد حال. به این معنی که در بعضی از بروج اثر خوب به ارض و ساکنین ارض می‌رسانند و در برخی اثر بد. پس در هر برج که خوشحال بوده و اثر نیک به اهل عالم بخشیده آن برج را بیت آن کوکب یا شرف آن کوکب نامیده‌اند و به این علت برج اسد را هم بیت و شرف شمس قرار داده و نشان دولت علیه ایران را شمس در اسد که شیر و خورشید باشد قرار داده‌اند. شاید برای این که هر شخصی که خدمت می‌کرده خواسته بودند پایه و مرتبه او را هم به امثال و اقربا برتری دهند. تصویر دولت مزبور را در حالتی که به اعلا درجه‌ی سماء که بیت او باشد رسیده صورت آن را نیز در پشت سر کشیده به آداب تمام به او می‌داده‌اند و این قاعده‌ی قویمه قرن‌ها در این دولت متداول می‌بوده تا که دولت اسلام غالب و اساس کفر از میانه رفت و لیکن

به واسطه این که اکثر بلاد و بقاع ایران در اقلیم چهارم واقع است و حرکت شمس هم در فلک چهارم است از این جهت نشان شیر و خورشید را تغییر ندادند و همان قرار سابق متداول و معمول بود و هر کدام از نوکران دولت و چاکران حضرت که خدمت نمایان می کرده به اعطا نشان شیر و خورشید سرافراز می شد تا خدمت او بر خلق معلوم شود و دیگران شوق خدمت حاصل کنند. ولی در سنوات سالفه تا اواخر عهد خاقان مغفور اعطای نشان به اسباب دیگر منوط گشت... بنای علیهذا رای جهان آرای شاهنشاه قرار بر این گرفت که این قاعده تجدید و تحدید یابد و قانونی در این خصوص مرقوم و برای هر نوع خدمت ترکیب معینی ساخته شود.

در موزه‌ی گلستان تابلویی به قلم احمد نقاش وجود دارد که شهربند(محاصره‌ی) غوریان در سال ۱۲۵۳ ق(۱۲۱۶ خ/۱۸۳۷ م) را نشان می دهد. در این تابلو، محمد شاه با لباس جواهر نشان و نیز تنی چند از سرداران و سربازان ارتش ایران، دیده می شوند. در این نگاره، پرچم‌های ارتش ایران به گونه‌ی سه گوش با متن سفید و حاشیه‌ی سبز رنگ نشان داده شده اند. در میان پرچم، شیر و خورشید به رنگ طلایی به چشم می خورد که بر بالای پرچم کلمه‌ی «الله» نوشته شده است.

عهدنامه‌ی دوم ارزنه‌الروم در روز ۱۰ خرداد ۱۲۲۶ (۳۱ مه ۱۸۴۷)، از سوی نمایندگان ایران و عثمانی دستینه شد. در این گفت گوها، میرزا تقی خان امیرنظام (امیرکبیر بعدی) نمایندگی ایران را به عهده داشت. در مقدمه‌ی این قرار داد آمده است: ^{۳۰}

میرزا تقی خان وزیر عساکر منصوره‌ی نظام و غیر

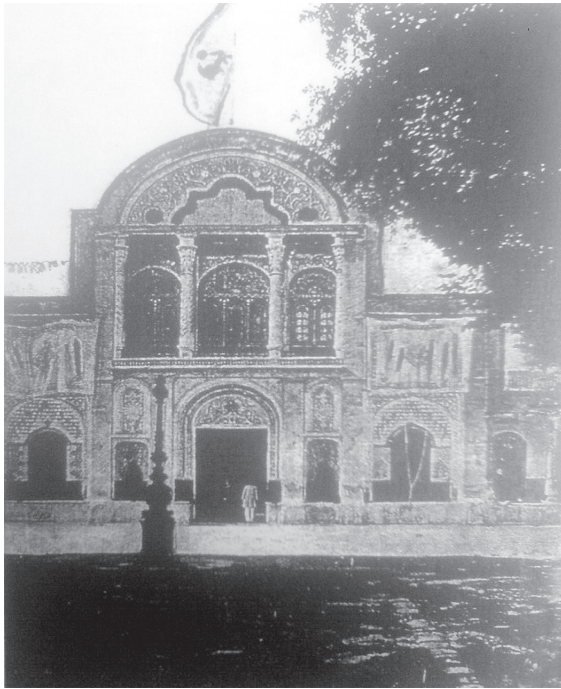


نظام که حامل نشان مبارک شیر و خورشید مرتبه‌ی اول سرتیپی و حمایل افتخار سبز است...

ترکیب «تاج» با شیر و خورشید، بر پایه‌ی بن‌نشته‌هایی که در دست داریم، نخستین بار در پرچم حسین علی بیگ، سفیر شاه عباس بزرگ به چشم می‌خورد. بار دیگر، در دوران فتح‌علی‌شاه، بر روی سکه و نشان، به کار گرفته شده است و در دوران محمد شاه، تاج بر فراز شیر و خورشید قرار می‌گیرد که تا پایان دوران پهلوی، هم‌چنان در پاره‌ای از درفش‌های شیر و خورشید، به چشم می‌خورد. در اصلاحات همه‌جانبه‌ای که امیرکبیر به عمل آورد، بهتر کردن رخت نظامیان و بهره‌گیری از تکه‌های شیر و خورشید نیز به چشم می‌خورد که استفاده از این تکه‌ها تا پایان دوران پهلوی ادامه می‌یابد.

نخستین تمبرهای پستی ایران در زمان ناصرالدین شاه به جریان گذارده شد. در این تمبرها، شیر ایستاده و شمشیر به دست دارد و خورشید، نیمه طالع و بدون چشم و ابرو می‌باشد. بر تمبر دیگر (۱۲۶۰ خورشیدی/۱۸۸۸ میلادی) تنها، نگاره‌ی خورشید با چشم و ابرو در حال پرتو افشانی، نقش گردیده است.

بر سردر ارگ قاجار در تهران (سردر الماسیه) پرچم نقره‌ای رنگ برافراشته بوده که شیر و خورشید زرین در میان آن قرار داشته و در این پرچم دو نوار باریک سرخ و سبز دوخته شده بود.



سردر الماسیه

دکتر فوریه در کتاب خود "سه سال در دربار ایران" درباره‌ی میهمان‌خانه‌ی دولتی شهر قزوین می‌نویسد: ^{۳۱}

هر یک از جبهه‌های نیم دایره‌ای نماهای عمارت را
با علامت دولتی ایران، یعنی شیر و خورشید که بر روی
کاشی کبودی ساخته شده، مزین ساخته‌اند.

رفته رفته، برگ زیتون نیز به گرداگرد نشان شیر و خورشید، بر روی نشان‌های نظامی، سکه‌ها و ... افزوده شد. برگ زیتون بر کلاهخود ظل‌السلطان فرزند ناصرالدین شاه و فرمانروای اصفهان، به روشنی به چشم می‌خورد.



برگرفته از : تاریخ پرچم ایران

هم‌چنین، نقش شیر و خورشید و برگ زیتون، بر سر لوحه‌ی روزنامه‌ی دولت علیه‌ی ایران، چاپ ۱۲۷۷ قمری (۱۳۳۹ خورشیدی/ ۱۸۶۰ میلادی) دیده می‌شود. در این نقش، خورشید با چشم و ابرو و چهره‌ی یک بانو، نشان داده شده است.



سر لوحه‌ی روزنامه‌ی دولت علیه ایران

(برگرفته از : اسناد متفرقه‌ی ایران)

افزون بر این‌ها، از دوران ناصرالدین شاه، رفته‌رفته، نوار سبز و سفید (نقره‌ای) و سرخ، با پهنای برابر و نقش شیر و خورشید و شمشیر به گونه‌ای که روی هر سه رنگ قرار می‌گرفت، گسترش یافت.

غلام‌حسین افضل‌الملک شیرازی، در جلد چهارم کراسه‌المعی از چندین درفش دوره‌ی ناصرالدین شاه سخن می‌گوید. پاره‌ای از این درفش‌ها، پرچم-های ارتشی هستند که در این کتاب، نقاشی و رنگ‌آمیزی شده‌اند.

در این کتاب، از دو گونه «بیرق عمارت سلطنتی و سربازخانه‌ها» و ... هم‌چنین «بیرق عمارات دولتی و سلطنتی» نام می‌برد: ^{۳۲}



۸- بیرق عمارت سلطنتی و سربازخانه‌ها و ...

این بیرق که عبارت از پرده مربعی است، دو حاشیه دارد. بالا سبز، پایین سرخ و متن سفید. در روی قسمت سفید این بیرق، شیروخورشید رسم شده و مخصوص به ابنیه و عمارات سلطنتی و سربازخانه‌ها و بنادر و هرچه مربوط به دولت و سلطنت است، می‌باشد. شاید بیرق کشتی پرسپولیس هم، همین قسم بود.

۹- بیرق عمارات دولتی و سلطنتی

این بیرق هم پرده‌اش سه رنگ است و هر سه رنگ، از عرض و طول مساوی است. قسمت بالا سبز، قسمت وسط سفید و قسمت پایین سرخ و شیر و خورشید در روی هر سه رنگ، ساخته شده است. این بیرق هم مثل نمره‌ی هشت، بالای ابنیه‌ی دولتی و سلطنتی، افراشته می‌شود.

وی در این بخش، از ۹ درفش دیگر نیز نام می‌برد که عبارتند از :

نمره‌ی اول: علم کاویان

نمره‌ی دوم: بیرق فوج پیاده

نمره‌ی سوم: بیرق توپخانه

نمره‌ی چهارم: بیرق توپچی

نمره‌ی پنجم: بیرق سوار

نمره‌ی ششم: بیرق عزا

نمره‌ی هفتم: بیرق سواره‌ی قزاق...

نمره‌ی دهم: علم تعزیه

نمره‌ی یازدهم: بیرق قاپوق

افضل الملک شیرازی، درباره‌ی علم کاویان می‌نویسد:^{۳۳}

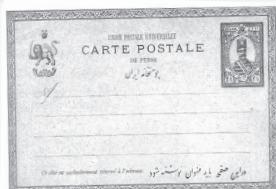
نمره‌ی اول، مشهور به علم کاویان است. این علم، پرده‌ی شیر و خورشید ندارد. در عرض پرده، کیسه‌ای از

ماهوت سرخ تا نصف چوب بیرق، کشیده شده و چند شرابه از شال ترمه، روی کیسه‌ی ماهوت سرخ آویخته است. طوق این علم، از طلا و مرصع است. صورت دو اژدها، در دو سمت و پنجه‌ای در وسط می‌باشد. این علم، مخصوص غلامان خاصه‌ی کشیک خانه است.

سابق بر این یعنی قبل از سفر عتبات [ناصرالدین شاه] سنه هزار و دویست و هشتاد و هفت [۱۲۴۹ خ/ ۱۸۷۰ م] که طوق این علم فقط طلا بود، همیشه در کشیک خانه یا خانه‌ی کشیک باشی بود. برای تشریفات سفر عتبات که طوق را مرصع کردند، غالباً در خزانه و حالا در موزه است. در مواقع رسمیه، از قبیل اسب دوانی‌ها یا در اسفار بزرگ مثل سفر خراسان و آذربایجان و غیره، [بیرق را] از خزانه و موزه در می‌آورند و [به] کشیک باشی تحویل می‌دهند و بعد از مراجعت از سفر یا بعد از انقضای تشریفات رسمی، مجدداً به خزانه یا موزه، معاودت می‌دهند.



در میان‌رودان (عراق امروزی) نیز مانند دیگر جاهای ایران در آیین‌های سوگواری ماه محرم از پرچم‌های شیر و خورشید، بهره گرفته می‌شد



(عکس‌ها برگرفته از: کتاب مهرها، طغراها و فرمان‌های پادشاهان ایرانی)

ت - خیزش مشروطیت

در متمم قانون اساسی مشروطیت، رنگ‌ها و نشان پرچم ایران، مشخص گردید. در اصل پنجم متمم قانون اساسی، آمده است: ^{۳۴}

الوان رسمی بیرق ایران، سبز و سفید و سرخ و
علامت شیروخورشید است.

از آن جا که بخشنامه‌ای درباره‌ی اندازه و شکل پرچم وجود نداشت، گاه شمشیر به دست چپ شیر بود و گاه به دست راست و البته بر پایه‌ی سنت، خورشید دارای چشم و ابرو بود و بسان بانویی نشان داده می‌شد.

در دوران پهلوی یکم، در بخشنامه‌ای به همه‌ی وزارت خانه‌ها و دوایر دولتی دستور داده شد که خورشید را بدون چشم و ابرو و به گونه‌ی یک نیم‌دایره‌ی ساده، با پرتو بنگارند. هم‌چنین بر پایه‌ی تصویب فرهنگستان، قرار شد که به جای واژه‌ی بیرق، از واژه‌ی پرچم بهره گرفته شود.

در دوران پهلوی سه گونه پرچم کاربرد داشت که عبارت بودند از :

۱- پرچم ملی که عبارت بود از پرچمی با سه رنگ مشخص شده در قانون اساسی. این پرچم از سوی مردم در جشن‌ها، چراغانی‌ها، آرایش مغازه‌ها و ساختمان‌ها و نیز در تظاهرات خیابانی، کاربرد داشت.

۲- پرچم دولتی که عبارت بود از پرچمی که در اصل پنجم قانون اساسی از آن نام برده شده بود، یعنی پرچم با رنگ‌های سبز، سفید و سرخ و شیروخورشید به رنگ طلایی



۳- پرچم نظامی که عبارت بود از همان پرچم دولتی که بالای خورشید، در بخش سبز رنگ آن، تاج قرار داشت و پرهونی (دایره‌ای) از برگ خرما، شیر و خورشید را فرا گرفته بود.

این پرچم ویژه‌ی ساختمان‌های نظامی بود و به موجب بخشنامه‌ی شماره‌ی ۳۴۷/۵۸۶ به روز ۱۵ مرداد ماه ۱۳۳۸ اداره‌ی یکم دایره‌ی قضایی ارتش، اندازه‌ی آن برای هر دسته از ساختمان‌های نظامی، مشخص شده بود که بزرگ‌ترین آن، مربوط به وزارت جنگ و ستاد بزرگ ارتشتاران بود.

هیات وزیران در نشست روز چهاردهم دی ماه ۱۳۳۶ در راستای یکسان سازی و اندازه‌مند (استاندارد) کردن پرچم، مصوبه‌ای صادر کرد. گرچه در آغاز این مصوبه اشاره شده بود که این تصویب‌نامه، بنابر اصل پنجم متمم قانون اساسی می‌باشد. اما در بند ۶ آمده بود که: ^{۳۵} شیر و خورشید و تاج پهلوی فقط روی مراسلات رسمی کاربرد خواهد داشت.

این تصویب‌نامه نواقصی داشت. در نتیجه کمابیش یک سال پس از آن، در سیزدهم دی ماه ۱۳۳۷، تصویب‌نامه‌ی دیگری صادر شد و ضمن اصلاح مواد پیشین، دو ماده‌ی ۸ و ۹ نیز به آن افزوده شد. جالب این‌که در ماده‌ی ۸ مقرر گردیده بود: ^{۳۶}

سازمان برنامه، پرچم‌های مورد نیاز کشور را طبق نمونه‌های مصوبه، تهیه و در اختیار فروشگاه‌ها بگذارد.

پی‌نوشت‌ها

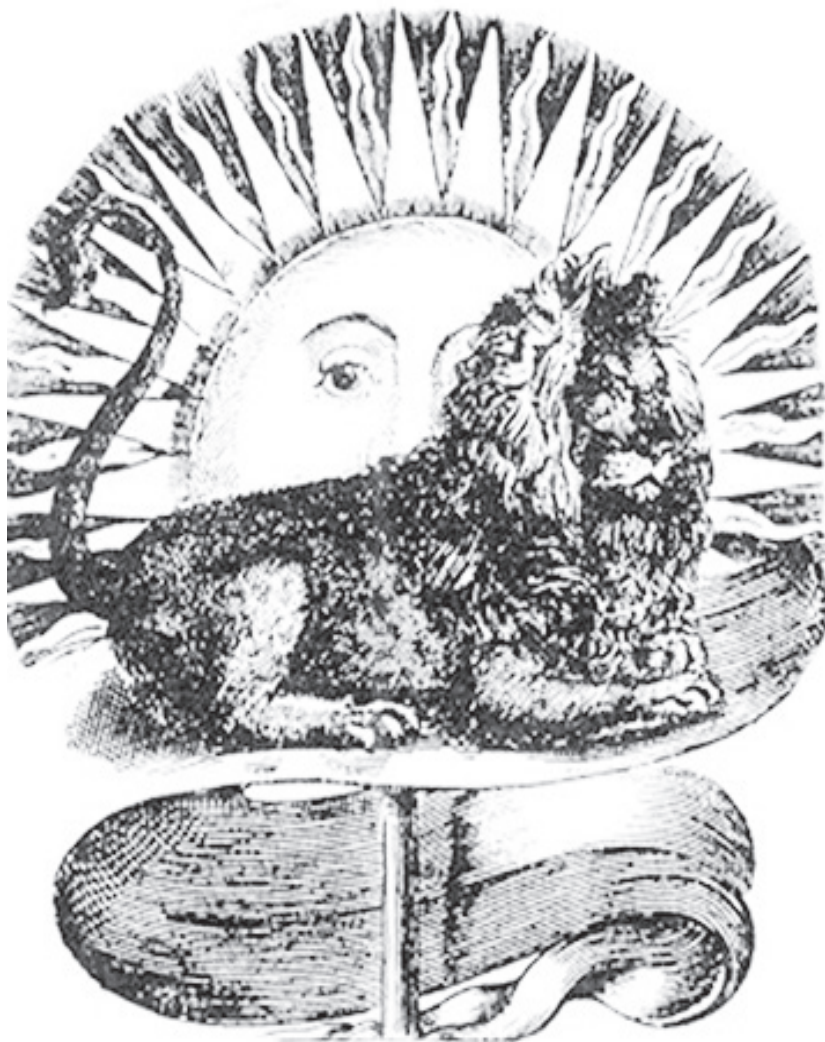
- ۱ - ایرانشهر - ج ۲ - ر ۹۵۰
تاریخ منظوم مغولان، بخشی از جامع‌التواریخ یا تاریخ رشیدی می‌باشد که از سوی شمس‌الدین کاشانی به شعر درآورده شده است. نسخه‌ی خطی این کتاب در کتاب‌خانه‌های مسجد و مدرسه‌ی سپهسالار (مدرسه عالی مطهری) تهران و ملی پاریس و موزه‌ی هنر اسلامی ترکیه، وجود دارند.
- ۲ - سفرنامه کلاویخو - رویه‌های ۲۱۳-۲۱۲
- ۳ - مهرها، طقراها و فرمان‌های پادشاهان ایران - رر ۱۷ - ۱۶ (این پیراهن در مجموعه‌ی آقای کریم‌زاده تبریزی نگهداری می‌گردد).
- ۴ - ژان زوناراس - تاریخ پرچم ایران - ر ۲۱۴
- ۵ - سفرنامه آدام اولناریوس - رر ۲۴۳ و ۲۴۲
- ۶ - تاریخ پرچم ایران - ر ۲۱۵
- ۷ - گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهان‌گردان - ر ۲۴
- ۸ - سفرنامه شاردن - جلد ۸ - ر ۲۲۲
- ۹ - همان - جلد ۴ - ر ۳۸۵
- ۱۰ - همان - جلد ۸ - ر ۲۲۲
- ۱۱ - سفرنامه تاورنیه - ر ۴۱۵
- ۱۲ - دون ژوان ایرانی - جنگ‌های دوره‌ی صفویه - ر ۱۱۲
- ۱۳ - تاریخ پرچم ایران - ر ۲۲۰
- ۱۴ - همان - رر ۲۲۰ و ۲۲۱
- ۱۵ - درفش ایران و شیروخورشید / تاریخ پرچم ایران - ر ۲۳۵
- ۱۶ - ناپلئون و ایران - ر ۲۱۳
- ۱۷ - تاریخ تجزیه ایران - دفتر چهارم - تجزیه قفقاز - ر ۱۸۵



- ۱۸ - درفش ایران و شیروخورشید - ر ۷۵
- ۱۹ - تاریخچه‌ی شیروخورشید - ر ۲۶
- ۲۰ - تاریخ پرچم ایران - ر ۲۵۶
- ۲۱ و ۲۲ - تاریخ تجزیه‌ی ایران - دفتر چهارم - ر ۲۱۸
- ۲۳ - همان - ر ۲۱۶
- ۲۴ - مسافرت به ایران / تاریخ پرچم ایران - ر ۲۵۸
- ۲۵ - مسافرت به ایران - ر ۳۰۰
- ۲۶ - تاریخ پرچم ایران ... - ر ۲۴۹
- ۲۷ - فلات قاره و جزایر خلیج فارس - ر ۱۵۰
- ۲۸ - ابعاد این تابلوی رنگ و روغن ۳۹۵×۲۳۰ سانتی‌متر مربع است. این تابلو در قصر عباس‌میرزا در «اوجان» قرار داشت که به دنبال از دست رفتن قفقاز، از سوی روس‌ها به قصر زمستانی تزار در سن‌پترزبورگ، برده شد و اکنون در موزه آرمیتاژ می‌باشد.
- ۲۹ - تاریخ پرچم ایران - ر ۲۶۱-۲۶۲
- ۳۰ - تاریخ تجزیه ایران - دفتر سوم - ر ۳۸۹
- ۳۱ - سه سال در دربار ایران - ر ۸۶
- ۳۲ و ۳۳ - کراسه المعالی - جلد ۴ - ر ۲۲۷۶-۲۲۵۶
- ۳۴ - قانون اساسی و متمم آن
- ۳۵ - تصویب‌نامه‌ی هیات وزیران - ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۳۶ - شماره ۲۱۲۵۵
- ۳۶ - تصویب‌نامه هیات وزیران ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۳۷



(پیوست شماره یک)
شیر خفته که به سوی خورشید می‌نگرد



(پیوست شماره دو)
فرمان نشان شیر و خورشید یرمولوف

هو الله تعالى شانه العزيز
محل مُهر با عبارت زیر :
بعون الله تعالى
گرفت خاتم شاهی به قدرت ازلی
قرار در کف شاه زمانه فتح علی

حکم جهان مطاع ظل الهی آن که :
از آن زمان که معمار عالم به اراده ملکوتی خود بنیان و اساس این مملکت را
مستقر ساخت، و حدود آن را به وجه اتم و اکملی بر نقشه مشیات خویش محدود
نمود، ستونی چند در فضای لایتناهی برای استواری آن برقرار کرد و سعادت
ابدی ما را محدود بر مبانی استواری تثبیت نمود که فروغ تجلی خود را در آن
ظاهر سازد. اراده راسخ و میل ملوکانه ما فعلا بر آن است که برای تامین ترقی
و تعالی مملکت عقد اتحاد و یگانگی را با سایر ممالک منعقد سازیم. این نیت
ملوکانه ما ابدالذهر مشعشع باد.

... در این اوان سعادت نشان که دولت بهینه روسیه در خیال انعقاد روابط
صمیمانه و مناسبات دوستانه با دولت ابد مدت است و قرآن کوکب اقبال دولتین
در اسعد صور فلکی صلاح این ائتلاف را حاکی است، اراده سنیہ اعلیحضرت ما
از صمیم قلب بر آن است کسانی را که در تحت لوای دولت به نفع دو مملکت
گامی برداشته و خدمتی به سزا کرده‌اند قرین افتخار و مباحات ساخته به اعطای
امتیازات شاهانه خود سرفرازش فرمائیم.

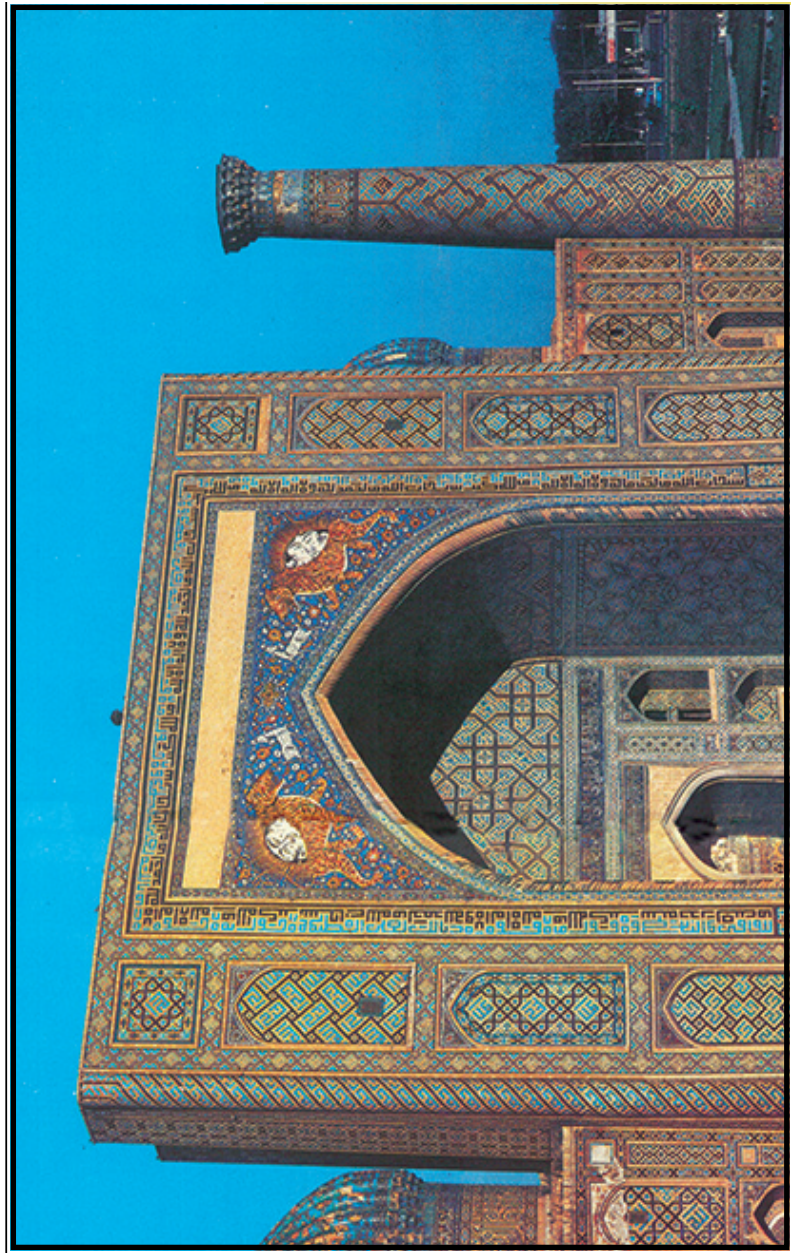
به جهات فوق الاشعار و به یادگار انعقاد عهدنامه‌ای که به سعی عالی جناب، زبده‌الاقران و قدوة الذکيا و الشجعان، معتمدالسلطان، ایلچی لیونتال ژنرال یرمولوف فرمانده عالی مرتبت و سفیر دولت فخمه روسیه که در عقل و کیاست چون مشتری و در فهم و فراست مانند عطار است انجام پذیرفت، مقرر فرمودیم که هر یک از من تبع او را به نشان دولت ابد مدت قرین افتخار سازند.

از این جمع ممدوح مکرم، فضیلت و عقیدت شعار کوتزبونه سلطان قسمت مهندسی که گامی از صراط وظایف خود بیرون ننهاد و هرگز در خدمت دولتین ایران و روسیه سر انقیاد از زمین اطاعت نداشته و در تحکیم روابط دولتین آنی از جاده سعی و عمل منفک نشده فی‌الجمله محامد صفاتش بسیار است و علوم و صنایعش بی شمار، فکرش محیط بر جهان است و کوکب صدق و صفایش در اعلا مدارج آسمان، بدین لحاظ یک قطعه نشان شیروخورشید الماس به او مرحمت فرمودیم که زیب پیکر خود نموده و در آتیه نیز هیچ گونه خدمت در تشدید روابط صمیمانه و تحکیم مناسبات دوستانه بین دولتین فروگذار نکند. مقرر آن که مستوفیان عظام شرح این منشور قضا دستور را ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند.

سنه ۱۲۳۲ هجری ماه شوال المکرم

[امرداد، شهریور ۱۱۹۶ / اوت، سپتامبر ۱۸۱۷]

امضا: میرزا شفیع صدر اعظم، عبدالوهاب [معتمدالدوله نشاط]، فریدون، محمد حسین، محمد زکی، زین العابدین، اسدالله، موسی، نظام الدوله، معصوم.





نقش شیر و خورشید (سر در مسجد شیر در سمرقند بر روی اسکناس حکومت ازبکستان



کار استاد رسام ارژنگی

نادر شاه افشار در نبرد کرنا



آقامحمدخان قاجار در پای دژ تفلیس ۱۱۷۴ خ (۱۷۹۵ م)

پیوست شماره شش



پیروزی ارتش ایران بر سپاهیان روس در نبرد سلطانیه ۲۳ بهمن ۱۱۹۰ (۱۳ فوریه ۱۸۱۲)



قزوین - حمام قدیمی که تنها سر در آن ماقی مانده است
تاج روی شیر و خورشید مانند تاج آقا محمدخان است

کتاب‌نامه

- اسناد متفرقه‌ی قدیمی مربوط به ایران - به کوشش محمد علی کریم‌زاده‌ی تبریزی - لندن ۱۳۸۶
- اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان - گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه - انتشارات مروارید - چاپ پنجم - تهران ۱۳۷۹
- ایران‌شهر - نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران - ج ۲ - چاپ دانشگاه - تهران ۱۳۴۳
- تاریخ نظامی جنگ‌های دوره‌ی صفویه - دکتر خانبابا بیانی - انتشارات ستاد بزرگ ارتشداران - تهران ۱۳۳۵
- تاریخ پرچم ایران (درفش ایران از باستان، تا امروز) - دکتر ن. بختورتاش - انتشارات بهجت - تهران ۱۳۸۳
- تاریخچه‌ی بیرق ایران و شیروخورشید - حمید نیرنوری - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۴۴
- تاریخچه شیروخورشید - احمد کسروی - انتشارات فردوس - به کوشش عزیزالله علیزاده - تهران ۱۳۷۸
- تاریخ تجزیه‌ی ایران - دفتر چهارم - تجزیه‌ی قفقاز - دکتر هوشنگ طالع - انتشارات سمرقند - تهران ۱۳۸۷
- تاریخ تمدن و فرهنگ ایران کهن - دکتر هوشنگ طالع - انتشارات سمرقند - چاپ دوم - تهران ، بهار ۱۳۸۶
- درفش ایران و شیروخورشید - سعید نفیسی - تهران ۱۳۲۸



سفرنامه کلاویخو - ترجمه مسعود رجب‌نیا - بنگاه ترجمه و نشر کتاب - تهران ۱۳۴۴

دیوان حافظ - نسخه‌های گوناگون

دیوان مولانا جلال‌الدین بلخی - نسخه‌های گوناگون

دیوان فرخی سیستانی - نسخه‌های گوناگون

سفرنامه آدام اولتاریوس - ترجمه احمد بهپور - تهران ۱۳۶۳

سفرنامه شاردن - ترجمه محمد عباسی - انتشارات امیر کبیر - تهران ۱۳۳۵

سفرنامه تاورنیه - ترجمه ابوتراب نوری - کتابخانه سنایی - چاپ سوم تهران ۱۳۶۳

سفرنامه کمپفر - ترجمه کیکاوس جهانگیری - انتشارات خوارزمی - چاپ دوم با تجدید نظر - تهران ،
آبان ماه ۱۳۶۰

سه سال در دربار ایران - دکتر فوریه - ترجمه عباس اقبال - انتشارات علمی - تهران ۱۳۲۶

شاه‌نامه‌ی فردوسی - چاپ‌های گوناگون

شیروخورشید (پژوهشی در نشان شیروخورشید، بر درفش سه رنگ ایران زمین) - انتشارات آرمان‌خواه
- تهران ۱۳۵۸

قانون اساسی و متمم آن - قسمت قوانین مجلس شورای ملی - تهران، مهرماه ۱۳۴۶ شمسی

کراسه المعی - غلامحسین افضل الملک شیرازی (نسخه خطی) کتابخانه‌ی مجلس - شماره ثبت ۹۴۵۳
- جلد چهارم

کلیات سعدی - نسخه‌های گوناگون

گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان - ابوالقاسم طاهری - انتشارات شورای مرکزی
جشن شاهنشاهی ایران - تهران ۱۳۴۷

گردونه خورشید یا گردونه مهر - ن. بختورتاش - موسسه مطبوعاتی عطایی - ۱۳۵۶

مثنوی معنوی - نسخه‌های گوناگون

مهرها، طغرها و فرمان‌های پادشاهان ایران - محمدعلی کریم‌زاده تبریزی - لندن، نوروز ۱۳۸۵

مسافرت به ایران - موريس دو کوتزبونه - ترجمه‌ی محمود هدایت - انتشارات جاویدان - تهران ۱۳۶۵

ناپلئون و ایران - ایرج امینی - ترجمه اردشیر لطفعلیان - انتشارات فرزانه - تهران ۱۳۷۸

نشان راز آمیز - دکتر ن. بختورتاش - نشر روزبه - ۱۳۷۶

هنر در آسیای مرکزی - تدوین گابریلا پوکا خیکوا، اکبر خاکيوف - مترجم ناهید کریم‌زندی - سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - چاپ اول - تهران پاییز ۱۳۷۲

Hanwey, j. An historical account of the british trade over caspian sea,
vol4 , London 1735



مقاله‌ها :

پژوهشی درباره‌ی تطور شیروخورشید - سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی - پیوست مجله‌ی بررسی‌های تاریخی - شماره‌ی یک سال چهارم

تاریخچه‌ی تحولات درفش و علامت ایران از آغاز سده‌ی ۱۳ هجری قمری تا امروز - مجله‌ی هنر و مردم - شماره‌ی ۷۷ و ۷۸ - رویه ۶۱ تا ۷۴

ذیلی بر سلسله مقالات : تاریخچه‌ی تغییرات و تحولات درفش و علامت ایران از آغاز سده‌ی سیزدهم هجری قمری تا امروز حمید نیر نوری - مجله‌ی هنر و مردم - شماره هفتاد و هفتم و هفتاد و هشتم - نشریه اداره کل روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر - اسفند ماه ۱۳۴۷ و فروردین ۱۳۴۸ - رر ۷۴ - ۶۱

سفارت کلاویخو به دربار تیمور - دکتر رضازاده شفق - مجله‌ی مهر - شماره ۵ و ۶

شیر و خورشید و پرچم ایران - حمید نیر نوری - مجله‌ی وزارت امور خارجه - دوره‌ی دوم - شماره ۲ -

تهران ۱۳۳۵